



## مورچه ای که سیر نمی شد

این مجموعه برای کلاس اولی ها به عنوان تقویت روانخوانی می تواند مورد استفاده قرار گیرد ولی چون محتوای داستانها همه گروه های سنی را در بر می گیرد، کودکان و نوجوانان می توانند از آنها بهره ببرند.

گروه سنی : الف، ب، ج، د (آموزشی - درسی - روان خوانی)

این مجموعه برای کلاس اولی ها به عنوان تقویت روانخوانی می تواند مورد استفاده قرار گیرد ولی چون محتوای داستانها همه گروه های سنی را در بر می گیرد، کودکان و نوجوانان می توانند از آنها بهره ببرند.

موضوع اصلی : عواقب حرص و طمع - نقش تفکر در زندگی درست - تفکر در مورد زندگی روزمره

هدف : توجه به فعالیت هایی که بصورت روزمره انجام می دهیم. پرهیز از حرص و طمع و تلاش برای زندگی متعادل و هدفمند

شرح محتوی : داستان عنکبوتی است که بالای درختی زندگی می کند و همواره در جستجوی چیزهای تازه و یادگرفتن است. روزی مورچه ای را می بیند که خوشه های بزرگی را با خودش به سوی لانه اش حمل می کند و از مورچه می پرسد تو این همه غذا را برای چه جمع می کنی؟ مورچه می گوید برای روزهای آینده زمانی که غذا پیدا نمی شود. عنکبوت که از کارهای مورچه بسیار شگفت زده شده است همیشه پیش خودش لانه مورچه را تصور می کند که خیلی بزرگ است و غذاهای زیادی در آن وجود دارد و روزی را تصور می کند که مورچه تمام این غذاها را خورده است و از همه موجودات جنگل بزرگ تر شده است.

بخشی از داستان را در زیر می خوانید :

یک روز عنکبوت با تار نازکی از شاخه ای آویزان شده بود و روی هوا تاب می خورد. مورچه را دید که خوشه ی گندم بزرگی را به سختی و با تلاش بسیار به سوی لانه می کشد. پایین تر رفت تا به نزدیکی مورچه رسید. با تعجب به خوشه ی بزرگ گندم نگاهی انداخت و به مورچه گفت : " فکر نمی کنی یک دانه از این خوشه ی گندم برای غذای امروز تو کافی باشد؟"

مورچه که به شدت خسته شده بود و نفس نفس می زد به خوشه ی گندم تکیه داد و گفت : "یک دانه برای امروز کافی است. اما فردا چی؟ پس فردا چی؟ روزهای دیگر چی؟"

عنکبوت کمی نزدیک تر رفت و به آرامی گفت : " فردا هم روز دیگری است. مثل امروز با کمی تلاش می توان غذایی پیدا کرد."

مورچه در حالی که عرق هایش را پاک می کرد لبخندی زد و گفت : " این همه حیوان در این جنگل زندگی می کنند که از من هزار برابر بزرگتر و قوی تر هستند و هزاران برابر من هم غذا می خورند. اگر فردا صبح از خواب بیدار شوم و ببینم که همه ی غذاها را

خورده اند و من نتوانم چیزی پیدا کنم، از گرسنگی خواهم مُرد. " و ...